

۳۰ خرداد ۱۴۰۴ - شهر چمران خوزستان

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ
وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى حَبِيبِهِ وَنَجِيبِهِ وَ
خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ بِشِيرِ
نِعْمَتِهِ وَ نَذِيرِ نِقْمَتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى
مُحَمَّدٌ وَ عَلَى آلِهِ الْاَطْيَبِينَ الْاَظْهَرِينَ الْمُتَجَبِّينَ
الْهَدَاءَ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْاَرْضِينَ وَ صَلَّ
اللَّهُ عَلَى اَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَدَاءِ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَ حَمَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ.

عِبَادَ اللَّهِ اَوْصِيكُمْ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

سوره مبارکه آل عمران آیه ۶۱

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ
تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

ترجمه:

هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده،
(باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو:
«بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان
خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود
را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛
آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

دهه‌ی سوّم هم باز دهه‌ای است که در آن هم حوادث مهمّی وجود دارد؛ از جمله و شاید مهم‌ترینش داستان مباحله است.

شرح ماجرای مباحله

پیامبر اکرم (ص) هم‌زمان با مکاتبه با سران حکومت‌های جهان، نامه‌ای به اُسُقُف نجران نوشت و ساکنان نجران را به پذیرش دین اسلام دعوت کرد. گروهی، به نمایندگی از مسیحیان نجران، به مدینه رفتند و در مسجدالنبی با پیامبر اسلام گفتگو کردند. پیامبر ضمن معرفی خود، حضرت عیسی (ع) را بنده‌ای از بندگان خدا معرفی کرد. آنها نپذیرفتند و متولد شدن عیسی (ع) بدون پدر را دلیل بر الوهیت او دانستند.

پس از اصرار دو طرف بر حقانیت عقاید خود، تصمیم بر این شد که مسئله از راه مباحله خاتمه یابد. از این رو قرار شد فردای آن روز، همگی خارج از شهر مدینه، در صحرا برای مباحله آماده شوند. بامداد روز مباحله، پیامبر(ص) به همراه امام علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) از مدینه خارج شد. وقتی مسیحیان دیدند که پیامبر با عزیزترین افرادش برای مباحله آمده و همچون پیامبران برای مباحله روی دو زانو نشسته است، از مباحله منصرف شدند و درخواست مصالحه کردند. پیامبر نیز به شرط پرداخت جزیه، با درخواست آنان موافقت کرد. پس از برگشتن نصارا به نجران، دو تن از بزرگان هیئت اعزامی با هدایایی، نزد پیامبر(ص) آمدند و مسلمان شدند. فخررازی از مفسران اهل سنت (درگذشت ۶۰۶ق) گفته است که مفسران و محدثان بر این واقعه اتفاق نظر دارند.

جایگاه و اهمیت

مباهله پیامبر با مسیحیان نجران از وقایعی است که برای اثبات حقانیت پیامبر اسلام در دعوتش، از آن استفاده می‌شود. قرآن، در سوره آل عمران، به این رویداد اشاره کرده است. همچنین این واقعه از فضایل پنج تن (پیامبر(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع)) به شمار می‌آید. از آن در منابع تفسیری و تاریخی سخن رفته است.

رهبر انقلاب در باب اهمیت روز مباهله می‌فرمایند:

مباهله در واقع مظهر اطمینان و اقتدار ایمانی و تکیه‌ی بر حَقّانیت است و این، آن چیزی است که ما همیشه به آن احتیاج داریم. امروز هم ما احتیاج داریم به همین اقتدار ایمانی و همین تکیه‌ی بر حَقّانیت خودمان؛ چون در راه حق

داریم حرکت میکنیم، به این باید در مقابل دشمنی دشمنان
و دشمنی استکبار تکیه کنیم و الحمدلله تکیه هم
میکنیم. ۱۵/۰۶/۱۳۹۷

پیام‌های مباحله برای بشریت

هماورد مباحله، حقانیت دین اسلام را بر دین مسیحیت اثبات
کرده و بسیاری از حقایق دیگر را نیز روشن کرده است. از
این روی پیام‌های مباحله نه تنها برای مسلمانان بلکه متوجه
همه بشریت است.

چند پیام مهم روز مباحله:

۱- اثبات حقانیت پیامبر و دین خاتم

مباحله، اثبات حقانیت شخص پیامبر اسلام (ص) و نبوت
ایشان و همچنین حقانیت دین مبین اسلام در مقابل ادیان

منسوخ گذشته، مهمترین وجه اهمیت مباحله و بزرگداشت روز مباحله همین است.

۲- منزلت والای اهل بیت پیامبر

حضور پیامبر اسلام به همراه دختر و داماد و دو نوه خودشان در واقعه مباحله، نشان دهنده فضیلت و مقام والای آنها نزد خداوند است. آیه ۶۱ سوره آل عمران که به مباحله اشاره دارد، امام علی (ع) را نفس پیامبر (ص) دانسته که این امر بر جایگاه ویژه ایشان تأکید می کند.

۳- اثبات حقانیت مذهب شیعه

مباحله یکی از دلایل اثبات حقانیت مذهب تشیع به شمار می رود. شجاعت و ایمان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در این

واقعہ، نشان دہندہ صحت مذهب تشیع و بطلان مذاہب دیگر است

۴- تحکیم جایگاه والای قرآن کریم

مباہلہ موجب تبیین جایگاه والای قرآن است؛ موفقیت پیامبر اعظم (ص) در مباہلہ با تکیہ بر آیات قرآن، نشان دہندہ قدرت و عظمت قرآن در ہدایت و راہنمایی بشر است.

درس‌های مباہلہ برای مسلمانان

علاوہ بر مباحثی کہ عرض شد. مباہلہ درس‌های اخلاقی زیادی برای مسلمانان دارد، از جملہ: تواضع و خشوع در برابر خداوند، پایبندی بہ ایمان و اعتقادات، شجاعت در

دفاع از حق و حقیقت، اعتماد به دین در برابر دشمنان و مانند اینها که برکات مباحله برای ماست.

مباحله را می توان نمادی از وحدت دانست؛ چرا که حضور پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در کنار هم در واقعه مباحله، نمادی از وحدت و یکپارچگی مسلمانان در برابر دشمنان به نمایش می گذارد و یادآور می شود.

مباحله نوعی “معجزه” است؛ بسیاری از علماء، مباحله را معجزه می دانند، زیرا مسیحیان با مشاهده یقین و ایمان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از مباحله خودداری کردند و در واقع با دیدن این حرکت اعجازگونه شکست خورده و تسلیم شدند.

خطبه دوم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاه و السّلام على سيّدنا و
نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين
الأطهرين سيّما بقيّة الله فى الأرضين و صلّ على على
امير المؤمنين و فاطمة الزّهراء سيّدة نساء العالمين و صلّ
على الحسن و الحسين سيّدى شباب اهل الجنّة و على
على بن الحسين و محمّد بن علىّ و جعفر بن محمّد و
موسى بن جعفر و على بن موسى و محمّد بن علىّ و
على بن محمّد و الحسن بن علىّ و الخلف القائم المهديّ
حججك على عبادك و امنائك فى بلادك و صلّ على
ائمّة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.

عباد الله اوصيكم و نفسى بتقوى الله

رشد کمی و کیفی برنامه های غدیر شهر چمران

دهه‌ی آخر ذی‌حجّه بلکه نیمه‌ی دوّم ذی‌حجّه؛ روزهای مهمّی از لحاظ تاریخ اسلام و حوادث تاریخی اسلام است. بنا بر مشهور، روز مباحله، روز نزول آیه‌ی ولایت در حقّ امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه)؛ إِنَّمَا وَكَّلْنَاهُ بِاللَّهِ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ (سوره مبارکه المائدة آیه ۵۵) و روز نزول سوره‌ی هل‌آتی (سوره انسان) است. هفته‌ای که گذشته، ایام عید غدیر و دهه امامت و ولایت را پشت سر گذاشتیم. الحمدلله امسال در ایام غدیر شاهد شور و نشاط همراه با حماسه و شجاعت بودیم.

امسال برای اولین بار طی چندسال اخیر توانستیم با اتحاد و برنامه ریزی خیلی خوب، بتوانیم رشد کمی و کیفی قابل توجهی به برنامه های عید غدیر بدهیم به طوری که قریب به ۱۰ هزار پرس غذا در ایام غدیر پُخت شد.

برگزاری ۱۴ ایستگاه صلواتی به مدت سه شب، برگزاری جشن های خیابانی با حضور چند هزار نفر از مردم منطقه، برگزاری جشن در همه مساجد و بسیاری از حسینیه ها بخشی از فعالیت ها و برنامه ریزی ۲ ماهه برای دهه امامت و ولایت بود که جا دارد از همه مومنین و مومنات و هر شخصی که به این مراسم ها کمک کرده است، تقدیر و تشکر کنم.

تقدیر و تشکر ویژه را باید از اعضای ستاد غدیر، خاصه برادر گرامی صادق جریدی داشته باشم که حقیقتا عالی فعالیت کردند.

همچنین تشکر می کنم از امام جمعه بندرماهشهر، فرمانداری، سازمان تبلیغات بندر ماهشهر، شهرداری و شورای اسلامی شهر چمران، شرکت عملیات غیرصنعتی، شرکت پتروشیمی اروند، آموزش و پرورش، ادارات خدمات رسان، کلانتری ۱۵، پایگاه های بسیج، پزشکان، پرستاران، گروه درمانی شهدای بندر ماهشهر، اصناف مختلف نظیر آرایشگران، ناوایی ها، بازاریان، روحانیت و

خطبای معزز و مکرم، مداحان و شعرای اهل بیت (ع)، بانوان شهر
چمران و شهرک بعثت.

شهید چمران، یک مکتب انسان ساز است

۳۱ خرداد، سالروز شهادت شهید چمران را گرامی می داریم.

امام راحل عظیم الشأن (ره) در پیام شهادت شهید چمران به دو تعبیر
عمیق از شخصیت آن شهید بزرگوار اشاره کردند، یکی
«جنگجویی پرهیزکار» و دیگر «معلم متعهد» (نک: صحیفه امام،
ج ۱۴، ص ۴۷۸)؛ و به همین جهت شهادت ایشان را «شهادت
انسان ساز» (همان) دانستند.

در فرهنگ متعالی اسلام، جهاد از ارزش بسیار والایی برخوردار
است و این ارزشمندی بدان سبب است که در کنار جهاد،
ارزش های الهی و انسانی، تجلی پیدا می کند که شهید چمران از
مصادیق شاخص این حقیقت است. شهید چمران، مجاهدی است

که در متن حماسه آفرینی هایش، تعلیم و آموزش و تدریس نهفته است که سخنان زیبا و جان بخش او، خود بهترین گواه است.

خطای بزرگ بیچاره کننده

«رژیم صهیونیستی اشتباه بزرگی کرد، خطای بزرگی کرد، غلطی کرد و عواقب آن، او را بیچاره خواهد کرد، به توفیق الهی» (۱۴۰۴/۰۳/۲۳). این جمله قاطع و امیدآفرین و دشمن شکن رهبر معظم انقلاب، و تأکید بر بیچاره شدن رژیم صهیونی، نه تنها روح امنیت و انسجام و شجاعت ملی ملت ایران را تقویت کرد، وعده‌ای صادق بود بر اضمحلال تدریجی رژیم خبیث صهیونی که در سال‌های اخیر شدت یافته است.

رژیم صهیونی باید از صفحه روزگار محو شود و می‌شود!

جنگ برای رژیم صهیونیستی از هفتم اکتبر با شروع عملیات طوفان الاقصی تاکنون، هزینه‌ها و خسارت‌های بسیار سنگین به همراه شکست‌های راهبردی جبران‌ناپذیر داشته است. با این حال سران رژیم صهیونی، اصرار بر ادامه جنگ دارند؛ چرا؟ سردمداران رژیم صهیونی دلیل اصرار بر جنگ با فلسطینی‌ها و از جمله حماس در غزه، حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و اینک با جمهوری اسلامی را، در یک عبارت کوتاه خلاصه می‌کنند و می‌گویند: «برای بقا و حفظ موجودیت می‌جنگیم!»

معنای سخنان طرفداران جنگ با محوریت نتانیا‌هو و حامیان خارجی‌اش، این است که آنان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که، رژیم صهیونی غاصب در مسیر نابودی قرار دارد و تهدیدهای پدیدآمده علیه این رژیم جعلی، در واقع تهدیدهای موجودیتی بوده و این تهدیدها هستی این موجود را نشانه رفته است.

این یک واقعیت است که رژیم کودک‌کش صهیونی در مسیر اضمحلال و نابودی قرار دارد. در واقع مسیری که این رژیم در

حال طی کردن آن است، همان مسیری می‌باشد که رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی «ره»، بر مبنای نگاه توحیدی و براساس آموزه‌های دینی و قرآنی و حسب تکلیف و وظیفه شرعی و انسانی ترسیم نموده و فرمودند: «رژیم صهیونی باید از صفحه روزگار محو شود.»

تقلای باتلاقی برای موجودیت

کسی که در باتلاق گیر افتاده باشد، هر چه تقلا کند و بیشتر دست و پا بزند، بیشتر فرو می‌رود. قصه نتانیاہوی مفلوک هم همین است. وی در روز جمعه ۲۳ خرداد ماه که رژیم صهیونی علیه ملت ایران و جمهوری اسلامی دست به جنایت و خباثت زد و مجموعه‌ای از اقدامات را انجام داد، با تصور تمام کردن کار ایران و از بین بردن توان دفاعی و آفندی جمهوری اسلامی، با یک حس غرور اعلام کرد که ما نمی‌توانستیم این ماموریت را بر عهده نسل بعدی بگذاریم؛ چراکه اساسا در این صورت نسل بعدی دیگر وجود نمی‌داشت!

اسناد و مدارک مشابه، بسیار فراوان است که نشان می‌دهد عمده سران رژیم صهیونی و حامیان اصلی این رژیم، تهدیدهای موجودیتی را بسیار نزدیک ارزیابی می‌کنند و البته این ارزیابی درستی است. این ارزیابی معنایش صحه‌گذاری بر کلام رهبر حکیم انقلاب اسلامی می‌باشد که فرمودند: «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نمی‌بیند!»

تمامی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که صهیونیست‌های رذل آدم‌کش و اشغالگر، هرگز قادر به خنثی‌سازی، رفع و دفع تهدیدهای علیه موجودیت نامشروع خود نیستند. دلیل اصلی که این پاسخ را پشتیبانی می‌کند، آن است که فلسفه وجودی این رژیم با چالش‌های اساسی مواجهه شده و در حال از بین رفتن است.

افسانه قدرت رژیم صهیونی

فلسفه وجودی رژیم صهیونیستی، نه هویت ملی و نه هویت تاریخی، بلکه فلسفه وجودی این رژیم، «قدرت» است. «قدرتی» که با کمک کشورهای اروپایی و در ادامه با کمک‌های آمریکا، ایجاد

و تقویت شد. این قدرت در یک سرزمین اشغال شده، از سوی اشغالگران و با کمک بیگانگان تولید شد. غرب این قدرت نامشروع را با اهداف راهبردی و بلندمدت در راستای تامین منافع خود و جلوگیری از بازگشت مسلمانان به هویت واقعی خویش و ساخت تمدن نوین اسلامی ایجاد کرد.

موفقیت نسبی غرب و صهیونیست‌ها در این مسیر، براساس همان فلسفه وجودی یعنی قدرت، و به کارگیری این قدرت علیه فلسطینی‌ها و حامیان فلسطینی‌ها به صورت گسترده و بدون اینکه از نظر اخلاقی و حقوقی محدودیتی داشته باشند، بدست آمد. اینک به برکت انقلاب اسلامی و شکل‌گیری محور مقاومت و تغییر بسیاری از متغیرها، فلسفه وجودی این رژیم، یعنی همان «قدرت سرکوب‌گر» کارآمدی‌اش را از دست داده است.

موارد زیر اثبات‌کننده این نظریه است که، سردمداران رژیم صهیونی و حامیان این رژیم، هرگز قادر به احیای آن «قدرت

ویرانگر و سرکوب‌گر» و بازگرداندن «مشروعیت» به این رژیم جعلی نیستند:

۱- ناتوانی رژیم صهیونی از نظر نظامی در غزه و به تسلیم کشاندن حماس و آزادی اسرای صهیونی طی حدود ۲۰ ماه گذشته به‌رغم همه جنایت‌هایی که در غزه انجام داد.

۲- ناتوانی رژیم صهیونی در نابودی و خلع سلاح حزب الله قدرتمند در لبنان.

۳- ناتوانی رژیم صهیونی و حامی اصلی‌اش آمریکا در متوقف کردن یمن و اقدامات معجزه‌آسای انصارالله از نظر نظامی.

۴- عملیات‌های وعده صادق ۱، ۲ و خصوصاً ۳ و شرایطی که اینک در شهرهای مهم سرزمین اشغالی در حال رخ خوردن است. ناتوانی تمامی سیستم‌های پدافندی این رژیم که در واقع، سیستم‌های مدرن و پیشرفته ناتو می‌باشد، در مقابله با موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایرانی و یمنی، نشان می‌دهد که رژیم

صهیونی، دیگر قادر به دفاع از محیط امنیت داخلی اش هم نمی باشد.

۵- مردم جهان مثل گذشته، نه تنها دیگر رژیم صهیونیستی را یک رژیم دمکراتیک و اخلاقی نمی دانند، بلکه به برکت بیداری و آگاهی حاصل آمده از عملیات طوفان الاقصی و حوادث بعدی، این رژیم در افکار عمومی دنیا، رژیمی اشغالگر و جنایتکار نسل کش شناخته می شود. رژیمی که باید به اشغالگری اش پایان داده شود.

۶- امروز در دنیا، مردم با هر مرام و مسلکی، دیگر نه تنها فلسطینی ها را تروریست نمی دانند، بلکه آگاه شده اند که اینان مظلومان روزگار هستند و هر انسان با وجدان با هر ملیتی، باید به این مظلومان برای آزادی سرزمین شان کمک کند. شعارهای «فلسطین باید آزاد گردد» که در راهپیمایی ها میلیونی در شهرهای مختلف دنیا به صورت مستمر برگزار می گردد و جنبش های دانشجویی که با همین رویکرد و هدف، خصوصا در دانشگاه های

بزرگ و معتبر خود آمریکا پدید آمده، حکایت از آن دارد که همه چیز در حال تغییر است.

بنابراین روند، روند نابودی رژیم صهیونی غاصب است. فلسفه وجودی این رژیم یعنی آن «قدرت سرکوب‌گر» از بین رفته و دیگر کارآیی گذشته را ندارد و قابل احیا هم نمی‌باشد. قدرت‌های معارض و مشروع که در مقابل این قدرت نامشروع پدید آمده‌اند، قدرت‌شان رو به فزونی و توسعه است.

اما مهم‌تر از همه اینها، این است که این قدرتهای معارض و مشروع ایستاده در مقابل رژیم صهیونی (ایران، انصارالله، حزب‌الله و خود فلسطینی‌های ایستاده در میدان همانند حماس و مردم غزه)، قدرت‌شان متصل به قدرت الهی است. قدرتی که شکست ناپذیر است و پیروزی از سوی اوست: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران: ۱۲۶).